

حقوق بشر ، حق طبیعی و پایه ای انسانها !

امروز دهم دسامبر مصادف به پنجاه و نه مین «۵۹» سالگرد تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر در سال، «۱۹۴۸» است. این سند مهم حقوق طبیعی و ابتدایی انسانی را درخود گرد آورده است، جهان آنرا به رسمیت شناخته و سند اساسی حفاظت از حقوق بشر را تشکیل میدهد.

هر ساله مبارزان راه آزادی و گسترش عدالت خواهی درجهان که به اهمیت این اعلامیه در کارزار برای دموکراسی واقف اند، سالگرد تصویب آنرا به فرصتی برای تفکر در مورد دستاورد های حقوق بشر در جهان ، پیشرفتهایی حاصل و عقبگردهای مشخص تبدیل میکنند.

اعلامیه حقوق بشر که در پایان جنگ دوم جهانی و در زمانی که هنوز زخمهای ناشی از جنایات فاشیست های هیتلری بر پیکر بشریت تازه بود، تصویب شده سندی است که مرور زمان آنرا کهنه نمیکند و استقبال جامعه بشری را از زنده گی در وقار، برابری و مصئونیت در خود متبلور میکند. اهمیت بیانیه جهانی حقوق بشر در این است که حد اقل استاندارد ها را تعیین کرده اند و چهارچوب قانونی عملی برای موضوعاتی که جنبه اخلاقی دارند ارائه کرده است. امروزه حقوق بشر تعریف کننده جامعه مدنی ، معیار درستی و یا نادرستی سیاست های داخل و خارجی ، به مورد توجه و بهره برداری پارلمان ها ، مقامات قضایی بین المللی ، منطقوی و ملی ، رسانه های عمومی ، مکاتب و پوهنتون ها ، کارگران ، کارفرمایان و شرکت ها است. احزاب مترقی با درک طبقاتی از حقوق بشر به اهمیت رعایت آن در سازماندهی مبارزه برای

بهبود شرایط کاری و دستمزد ، برابری و رفع تبعیض واقف اند و در راه تحقق آن میکوشند.

توسعه حقوق بشر:

طی بیش از نیم قرن عملکرد این اعلامیه ، حقوق بشر تعریف دقیقتر و جامع تری یافته است به کوشش نیرو های مترقی جهان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مسایل عمده چون برابری مرد و زن و حقوق انسان در برخورداری از غذای کافی ، مسکن مناسب و داشتن کار و نیز تشکل اتحادیه های صنفی به مثابه حقوق ابتدایی قبول کرده و در دستور کار جلسات سالانه خود و کمیسیون های فرعی اختصاصی خود قرار داده است، بطور نمونه و مثال گردهم آیی جهانی روم در سال «۱۹۹۶» در مورد «امنیت غذایی» دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر را فراخواند که تعریف جامع تری از حق انسان به بهره گیری و برخورداری از غذای مناسب، ارائه کند. این مهم اکنون در ماده «۱۱» میثاق بین المللی حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی فورمولبندی مناسبی یافته است.

در رابطه به موضوع برابری حقوق زن و مرد اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر میدارد که همه انسانها آزاد و از نظر شأن و مقام و حقوق برابر به دنیا آمده اند، اصول قانونی و برابری عدم تبعیض محور قراردادهای اعلامیه حقوق بشر هستند و اساس برخورداری از حقوق بشر را فراهم میکند، خشونت برضد زنان بمثابه مشکل بین المللی که همه جوامع به آن روبرو هستند، شناخته شده است، در سالهای اخیر در رابطه به اصلاح قوانین بر مبنای کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض بر ضد زنان

(CEADW) پیشرفت فراوانی در سطوح بین المللی ، منطقی و ملی حاصل شده است.

ولی بین حرف و عمل، به این موافقنامه های بین المللی و سیاست ها و عملکرد واقعی دولت ها فاصله فاحشی وجود دارد، بر رغم تبلیغات کرکننده در مورد احترام و برابری حقوق مادی و معنوی زن و مرد ، استندرد های جهانی حقوق بشر در مورد حقوق زنان غالباً زیر پا گذاشته میشود، نیروهای ارتجاعی تحت پوشش لزوم احترام به تفاوت های تاریخی ، فرهنگی و مذهبی از رعایت این استندرد های بین المللی شانه خالی نموده سرباز میزنند.

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی افغانستان در رابطه به اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصولاً عملکرد آن در عرصه احترام به مصوبات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در شش سال سپری شده مورد انتقاد افکار بین المللی بوده است، عده از سردمداران رژیم اسلامی به کرات عدم همخوانی ، تفکر و سیاست های خود با مصوبات و رهنمودهای منشور سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر را اعلام کرده اند، آنها بارها اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی دموکراسی را در تضاد با مونوکراسی (اعتقاد به خدای یگانه) میدانند و لذا خود را متعهد به آن نمیدانند بعضی از سران رژیم و متحدان شان در افغانستان منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را برخاسته از جهان غرب دانسته و با پناه گرفتن تحت پوشش قوانین اسلامی خواستار استثنا شدن خود از بعضی ابتدایی ترین مواد این اسناد معتبر جهانی شده اند، نیروهای مترقی و سازمانهای حقوق بشرمخالفت خود با تجربه حقوق بشر براساس ملاحظات مذهبی و عقیده تی را اعلام کرده اند، اجلاس های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد هر ساله، نقض آشکار ابتدایی ترین حقوق شهروندان و از جمله

اعدام های وسیع و سنگسار شرعی و استفاده شکنجه و روشهای غیر انسانی برای به زانو درآوردن و اعتراف گرفتن از مخالفان سیاسی توسط رژیم های ارتجاعی را محکوم کرده اند.

افغانستان که از جمله امضاء کننده گان اعلامیه حقوق بشر میباشد، از جمله کشورهایی است که در همه کنفرانس های بین المللی اشتراک داشته اما در اتحاد با محافل ارتجاعی داخلی و بین المللی و نیروهای واپسگرا ، در جهت محدود کردن حیط عمل استندردهای حقوق بشر عمل کرده است که از نمونه بارز آن تدوین همین قانون اساسی متناقض و معجون و ناهم آهنگ میتوان نامبرد و از مثال های ویژه آن است.

این که در رابطه به رژیم افغانستان با کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد انتظار تغییراتی چشمگیر را داشته باشیم تقریباً غیر ممکن است. بطور مثال در رابطه به غیر قانونی اعلام کردن ، اعدام بدون طی مراحل قانونی ، اعدام های فوری و خود سرانه ، سنگسار، در این بحث ها نماینده گان رژیم کابل در کنار نماینده گان پاکستان، سودان ، ایران، مصر و دیگر اعضای کنفرانس کشورهای اسلامی ، مرحله به مرحله با تصویب پروگرافهای مشخصی که استفاده از حکم اعدام را مثلاً در رابطه به زنان باردار و حامله ، کسانیکه اختلال هواس و مشکلات روانی دارند ، همجنس بازان (زنان و مردان) و برای جرمهای سیاسی ، مذهبی و عقیده تی را غیر قانونی اعلام میکرد و از دولت های عضو سازمان ملل متحد میخواست که سریعاً با کشتار های که تحت عنوان دفاع از ناموس و دلایل و اختلافات ، نژادی ، قومی برخورد کنند، مخالفت دارد. عجب اینکه طبق معمول کشورهای اسلامی سعی میکنند که موضع

مخالف خود را تحت پوشش تنوع فرهنگی و تیوری ارتجاعی «نسبیت فرهنگی» توجیه نمایند.

اینان به استبداد و نقض دموکراسی و حقوق دموکراتیک شهروندان مشهور میباشند این حقیقتی است که رعایت حقوق بشر و مبارزه برای بسط دموکراسی رابطه کلیدی دارند، منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی اساس قدرتمند را برای مبارزه ملت ها برضد استبداد فراهم میکنند با تبلیغ وسیع چنین اسنادی و تکیه برمواد آن که به توشیح اکثر دولت ها رسیده است ، بیش از پیش میباید تضاد سیاست ها و عملکرد رژیم برضد شهروندان را و تعهدات بین المللی آنها افشاء نمود، اعلامیه حقوق بشر میگوید:

بنیان قانونیت دولت بر اراده و خواست شهروندان قرار دارد.

www.ayenda.org